



## خطر بیابانی شدن زاگرس و زوال جنگل های ۱۱ هزار ساله

مرکز پژوهش های استراتژیک پژوهشگاه



### زاگرس، یک میراث تاریخی عظیم

جنگل یک منبع بسیار عظیم برای تداوم حیات بشر در بطن اکوسیستم خاص کره زمین است. یک و نیم میلیارد نفر در جهان به جنگل ها و محصولات جنگلی برای معیشت وابسته هستند. رشته کوه زاگرس اساساً بخشی از چین خوردگی طبیعی و بزرگ موسوم به زاگرس - توروس در کردستان بزرگ است که در ادامه مسیر و پیوستگی طبیعی به کوهستان های جنوب کردستان در عراق و روزاوی کوردستان در سوریه، در شیئی به سوی غرب با نام «کورمانج کوه» تا نزدیکی مدیترانه ادامه می یابد. کورمانج یا کرمانج وجه تسمیه مشترک زبان کردی از مدیترانه و تا هرمز در جنوبی ترین سرحدات مناطق کردی لرنشین است. جنگل های زاگرس که بخش بسیار بزرگی از شرق کردستان را پوشانده از ماکو گرفته تا مناطق کهگیلویه و بویراحمد و ممسنی در حال نابودی تدریجی است. این جنگل ها بر اساس مطالعات پالینولوژی (علمی که به مطالعه گرده های گیاهان دانه دار و هاگ های گیاهان با تولید مثل جنسی و دیگر عناصر می پردازد) در حدود ۱۱ تا ۱۵ هزار سال قبل با درختان پراکنده بلوط و بنه تشکیل شده است. بر اساس مطالعات انجام شده در جنگل های زاگرس ۲ هزار و ۳۷۲ گونه گیاهی شناسایی شده است. برای به ثمر نشستن یک درخت بلوط به

عنوان آغاز فصل نابودی جنگل‌های زاگرس گونه غالب جنگل‌ها حداقل ۴۰ سال زمان لازم است و از سوی دیگر ذخیره‌سازی آب، جذب ریزگردها و تولید اکسیژن از مزایای وجود درختان بلوط است. این جنگل‌ها این روزها از دست مافیای نظام حاکمیت ایران حال‌وروز خوشی ندارند. درحالی که در سراسر ایران و شرق کردستان بیش از یک‌هزار و ۱۲ سازمان مردم‌نهاد تشکیل شده‌اند، اما به دلیل مافیایی بودن نظام سیاسی حاکم، مجالی برای خودمدیریتی سالم مناطق زیست‌محیطی ندارند. به همین دلیل زاگرس با سیاست‌های نابودگر حاکمیتی و فقدان مدیریت سالم روبرو است.







## پرسه مافیای سپاه در وجب به وجب خاک زاگرس

اگر جنگلهای زاگرس ریه ایران محسوب می‌شوند، کل وجود کردستان یا همان زاگرس هستند. زاگرس هم طبیعت، هم وجود، هم تاریخ و هم فرهنگ خلق کرد است. نقش مافیای سپاه پاسداران و منابع طبیعی و میراث فرهنگی که به کار غارت زاگرس گماشته شده‌اند، امروز نخستین عامل تخریب جنگل‌های زاگرس است. نظام سرمایه ایران که ثروت و قدرت را در انحصار گرفته، متشکل از همان نهادهای مافیایی بویژه سپاه پاسداران با سایر نهادهای حکومتی است که در هر دو دولت رسمی و پنهان بصورت موازی ریشه دوانده‌اند.

عوامل انسانی همانند فعالیت‌های کشاورزی، چرای مفراط دام، و استفاده خانگی بعنوان سوخت شاید از جمله عوامل تخریب تدریجی محسوب شوند، اما عوامل ریشه گرفته از مافیای حکومتی همچو بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آب، محصولات فرعی چوب، گاه آتش‌سوزی‌های عامدانه سپاه با اهداف نظامی، سدسازی، احداث راه و جاده‌ها برای مصارف نظامی، زغال‌گیری، قطع درختان و تجارت مافیایی و یا احداث مکان‌هایی به بهانه‌های صنعتی و تجاری و توریستی همه بدست نهادهایی چون سپاه و عوامل وابسته به آن نهاد انجام می‌گیرند. حتی خشک‌سالی، آفات و امراض و گردوغبار به نوعی بخاطر ساختار نظام سرمایه ایرانی و برنامه‌های مخرب سیاسی، اقتصادی و نظامی آن موجب تخریب محیط‌زیست می‌شوند. تجاوز به حریم جنگلی بعنوان یک منبع عمومی، قطع درختان آن و آتش‌زدن‌ها اکثراً از سوی مافیای چوب سپاه انجام می‌گیرد. این فعالیت‌های مافیا خساراتی جبران‌ناپذیر بر اکوسیستم و

تنوع زیستی زاگرس وارد می‌آورد. مساحت رویشگاه جنگل‌های زاگرس قریب ۵ میلیون هکتار برآورد شده که بلوط، ون، بادام وحشی، گلابی وحشی و غیره از گونه‌های غالب آن هستند، در سطح دنیا بی‌نظیر است. رویش این درختان که حدوداً در ۱۱ هزار سال پیش با پس‌روی یخچال‌ها بسوی قطب شمال، رخ داد، امروز با یک پس‌روی بدست خود انسان مواجه است. جنگل‌های زاگرس بیش از ۸۰ درصد سطح جنگل‌های شرق کردستان را تشکیل داده است.

برخی دگرگونی‌ها در اکوسیستم جنگلی زاگرس ناشی از عوامل طبیعی همچو گرمایش روزافزون زمین و یک‌ونیم‌درجه گرم‌شدن و ریزگردها موجب خشکیدن جنگل‌های زاگرس می‌شوند که روزه‌روز بر این تهدید افزوده می‌شود. چه‌بسا عامل اصلی گرمایش زمین و افزایش ریزگردها نیز به خود انسان و دولت‌های انحصارگر سرمایه‌پرست برمی‌گردد که با بی‌برنامگی و منفعت‌پرستی خود این بلا را بر سر اکوسیستم جهان و زاگرس می‌آورند. طی سده‌ها، زراعت سنتی، زراعت زیراشکوب و تغییر کاربری اراضی بدست روستائیان تنها زیان‌های محدودی برای جنگل‌ها داشت و نتوانست این همه تخریب را موجب شود که امروزه نهادهای حکومتی و مافیایی به‌وجود می‌آورند. فعالیت‌های عمرانی نظیر راه‌سازی و عبور خطوط لوله نفت و گاز و همچنین آتش‌سوزی‌های عمدی و غیرعمدی و هجوم آفات و بیماری‌ها این رویشگاه‌های جنگلی مهم را تهدید می‌کنند. آیا امروز انحصار این فعالیت‌های پرسود در دستان سپاه پاسداران نیست؟! حتی اگر معضل قطع درختان توسط اشخاص عادی سودپرست و یا یک روستایی از قشر عادی جامعه صورت می‌پذیرد، باز به خود دولت و نظام حاکم برمی‌گردد. زیرا گسترش فقر و بیکاری مشکلات معیشتی کمرشکنی را به وجود آورده و برخی ناچارند از ناحیه جنگل‌های زاگرس امرار معاش کنند حتی اگر از راه قاچاق باشد.

ایران شورای عالی آب دارد و آن شورا تصمیم‌گیری می‌کند نه پارلمان. درحالی که بایستی وظیفه سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری «حفظ، احیاء، توسعه و بهره‌برداری اصولی» از جنگل‌ها باشد، همچو یک مافیا بلای جان آن شده‌اند. زیرا شبکه مافیایی سپاه و نهادهایی چون میراث فرهنگی با همدستی یکدیگر ریشه دوانده، کاری می‌کنند که «تدوین برنامه‌های پیشگیری و حفاظت برای احیای جنگل‌ها به فراموشی سپرده شود. در سالهای اخیر که گرمایش

زمین به یک پدیده خطرناک مبدل شده، وقوع آتش‌سوزی‌ها بزرگترین بلای نابودگر شده درحالی که امکاناتی چون تخصیص بودجه و وسایلی چون هلیکوپتر برای مهار آتش‌سوزی اختصاص داده نمی‌شود. فراتر از تخریب جنگل‌ها و نابودی گونه‌ای جانوری، زنگ خطر برای خود ساکنان زاگرس نیز به صدا درآمده.

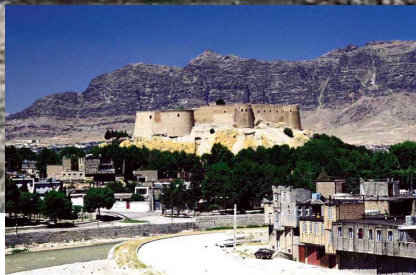
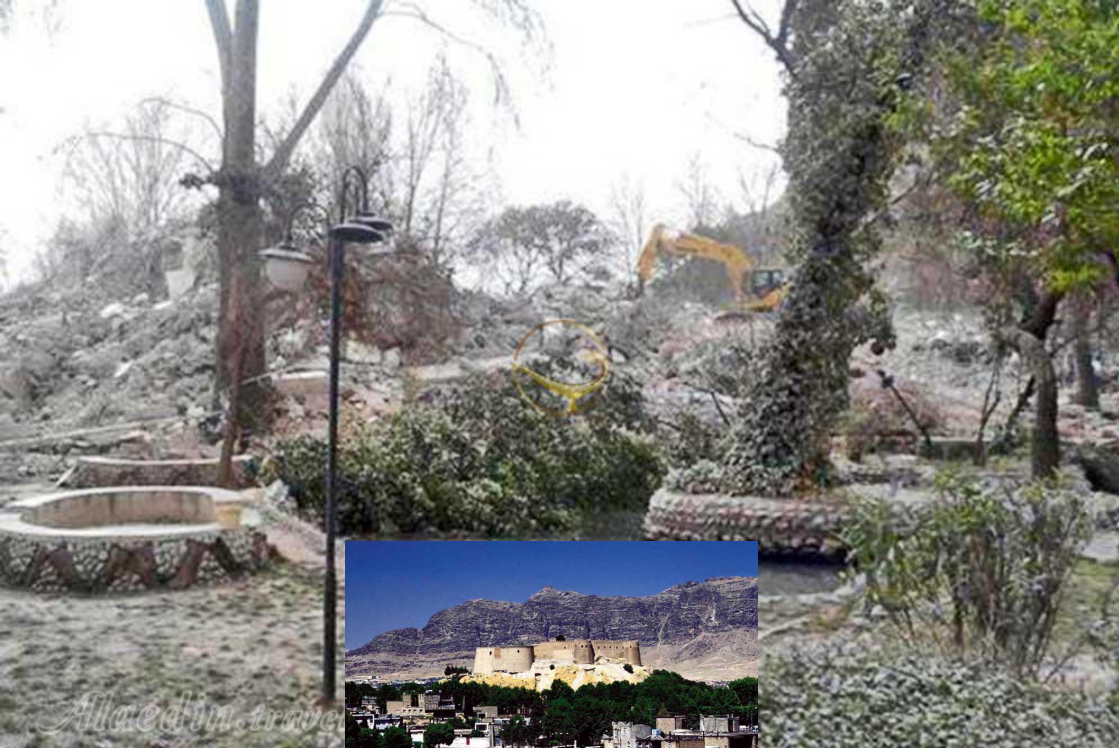
### تکذیب برنامه‌ریزی شده وجود مافیای چوب

درحالی که مافیای چوب بصورت سیستم‌تیزه در سراسر زاگرس و حتی در مازندران و گیلان وجود دارد، به کارشناسان و رسانه‌های وابسته رژیم سپرده شده که وجود مافیای سازمان‌یافته در زاگرس را انکار کنند. حتی آن عوامل با بکارگیری رسانه‌ها سعی می‌کنند که موضوع قاچاق چوب را به امر تولید هیزم از سوی روستائیان عادی ربط دهند. برای مثال «فرزاد ویسانلو»، دکترای تخصصی مهندسی منابع طبیعی در ۱۲ دی ۱۴۰۰ به «باشگاه خبرنگاران جوان» گفته که «قاچاق چوب بصورت مافیایی و سازمان‌یافته» در زاگرس وجود ندارد. درحالی که گزارش ما در خصوص محوطه قلعه فلک‌الافلاک لرستان اثبات‌گر قاطع آن است.

یک منبع در مریوان و یک منبع آگاه در مناطق کوهستانی شاهو در کرمانشاه که نخواستند نامشان فاش شود، گفتند: «از زمانی که گریلاهای حزب حیات آزاد کردستان، پژاک در مناطق مختلف کوهستانی و جنگلی زاگرس شرق کردستان حضور یافته‌اند، سپاه پاسداران برنامه نابودی جنگل‌های پوششی زاگرس را آغاز کرده که از جمله اقدامات آنها، قطع درختان و قاچاق آن با اهداف نظامی در درجه اول و کسب سود مالی در درجه دوم است.»

جاده‌سازی هم یکی از موارد زیان‌بار است که توسط سپاه انجام می‌گیرد. تعریض جاده‌ها در مناطق جنگلی به بهانه مقابله با گریلا و نیز توسعه گردشگری نه تنها با توسعه پایدار همخوانی ندارد بلکه موجب تخریب جنگلها و طبیعت نیز می‌شود.

آن دو منبع افزودند که اگر چنانچه نتوانند به قطع درختان اقدام کنند، آتش‌سوزی‌های عمادانه به راه می‌اندازند که این دو رویه بدترین راه‌های دخیل در نابودی جنگل‌های زاگرس است. این دو کار را مافیای چوب سپاه بصورت مخفیانه انجام می‌دهند.



## تخریب آثار باستانی و نابودی محیط زیست خرم آباد توسط مافیای نظام

گزارشگر: «الف.د.»

قلعه فلک الافلاک خرم آباد و باغ گلستان در شهر خرم آباد شرق کوردستان از زیباترین و قدیمی ترین نقاط طبیعی و گردشگری دارای درختان بلوط و چشمه سارهای کهنسار است. محوطه باغ گلستان در اطراف قلعه یعنی درختان بلوط و چشمه سارها و جویبارهای آن از سوی سودجویان و مافیای رژیم ایران به تاراج می رود و چنان ضربه ای به زیست بوم آن زده شده که جبران آن آسان نیست. «الف.د.» گزارشگر ما به تهیه یک گزارش تحلیلی از آن محوطه قدیمی همچو یکی از ارزش های محیط زیستی خرم آباد و زاگرس پرداخته و از اقدام سپاه پاسداران و سازمان میراث فرهنگی همراه با عناصر و عوامل آنها در سال های اخیر که کماکان ادامه دارد، پرده برداشته. متن گزارش بصورت ذیل می آید:

## قطع درختان باغ گلستان

در پایین قلعه فلک‌الافلاک یک محوطه خیلی باز وجود دارد که این محوطه تحت عنوان باغ گلستان در دوره قاجار ثبت تاریخی شده. قبلا دانشگاه لرستان داخل این محوطه بوده و پس از اینکه محوطه قلعه فلک‌الافلاک آزادسازی شد، تقریباً ۵ الی ۶ سال است عوامل سپاه و میراث فرهنگی شروع کرده‌اند به بردیدن درختان و معلوم نیست که این درختان را کجا می‌برند. بیشتر وقت‌ها آهک می‌ریختند بدون اینکه کسی متوجه شود. سپس روی آهک را کود حیوانی می‌ریختند و درخت خشک می‌شد. بعد از اینکه درختانی که خودشان خشکانده بودند را بردند. خصوصاً در سال‌های ۹۸ و ۹۹ و در اوج دوران کرونا و تعطیلی به این اقدام دست زدند. بیش از ۳۰۰ اصله درخت را در محوطه باغ گلستان با اهره برقی بی‌رحمانه قطع کردند. تنها یک‌بار دادستان به مسئله ورود پیدا کرد. بازدید کرد ولی بعدها معلوم نیست چه معامله‌ای پشت پرده صورت گرفت، هیچ اتفاقی نیفتاد. بعد از آن هم ۲۰۰ اصله درخت دیگر را بردند. درخت‌های موجود در محوطه باغ گلستان همه ۸۰ ساله و ۹۰ ساله بودند و درخت زیر ۵۰ سال در محوطه باغ گلستان وجود نداشت. بنا به گزارش پایگاه خبری «سنگ‌نوشته»، مدیرکل حفاظت محیط‌زیست لرستان در ۲۲ خرداد ۱۳۹۸ در جمع رسانه‌ها در خصوص قطع درختان گفته بود: «نمی‌توان با بهانه‌های واهی اقدام به این کار کرد و این موضوع باید در کمیسیون شهری مطرح و بررسی شود و هر جا نیاز باشد، ورود خواهیم کرد». خلاصه در ظاهر قضیه این درختان را بردند و برای منافع خود فروختند. همین بلا را بر سر درختان پارک پروین خرم‌آباد آوردند. مدیرکل میراث فرهنگی، مدیرکل پایگاه پژوهشی قلعه فلک‌الافلاک توسط پیمانکاری که سازمان میراث فرهنگی کشور زیر نظر شخصی به نام دکتر «طالبیان» کار می‌کرد، بقول معروف با نظر خود طالبیان که نماینده یونسکو در ایران بود، این پیمانکار را آوردند و درختان را می‌بریدند. هر چه فعالان گزارش دادند، هیچ فایده‌ای نداشت.

## انقراض طوطی‌های سخنگو

در محوطه این درختان باغ، شاید تقریباً ۵۰ یا ۶۰ نوع طوطی سخنگو وجود داشتند. آن هم طوطی از نوع نایاب که توی این درختان زندگی می‌کردند ولی اکنون حتی یک نوع از آن طوطی‌ها باقی نمانده است. اسناد مربوط به



همه اینها هم موجود است.

## خشکاندن چشمه‌ها

بعد از اینکه درختان را بریدند شروع کردند به بتن کردن روی چشمه‌ها. در محوطه قلعه فلک‌الافلاک، حدود ۲۰۰ الی ۳۰۰ چشمه وجود دارد. یعنی اگر کل قلعه را حفاری کنند، زیر آن آب است و اساسا شهر خرم‌آباد شهر آب است زیرا همه‌اش چشمه است. کنار شهر هم یک رودخانه وجود دارد که این چشمه‌ها به رودخانه ریخته می‌شدند. میراث فرهنگی و همدستانش از آجر نمکی قم استفاده کردند و روی چشمه‌ها را بتن کردند. خصوصا این کار در سال‌های ۹۸ و ۹۹ انجام گرفت. بی‌سروصدا در زمانی که اکثر کارشناسان حضور نداشتند از فرصت استفاده کرده، محوطه را به بهانه کرونا بستند و هدف اصلی‌شان هم خشکاندن این چشمه‌ها بود. نیم‌متر روی چشمه‌ها را بتن‌ریزی کردند و الان چشمه‌ای در پایین باغ گلستان یعنی در محوطه آن موجود نیست. اخیرا هم فشار آورده‌اند که سپاه عقب‌نشینی کند و سپاه در ظاهر می‌گوید که عقب‌نشینی من بخاطر میراث فرهنگی است ولی هدف، خشکاندن چشمه اصلی باغ گلستان است. یعنی سپاه بظاهر عقب‌نشینی می‌کند ولی باز میراث فرهنگی اقدام به بتن‌ریزی روی چشمه اصلی محوطه می‌کند. وقتی باران می‌بارد، نمک از آن نوع آجر نمکی آزاد و به مرور جذب زمین می‌شود و چشمه که در زیر این بتن و آجر هست می‌خشکد.

## نابودی کبوترهای قلعه فلک‌الافلاک

مسئله دیگر این است که میراث فرهنگی در قلعه فلک‌الافلاک تمام لانه‌های کبوترهای وحشی را تور زدند تا کبوتران توی آن لانه‌ها نروند. هم‌اکنون تعداد این کبوترهای زیبا خیلی کم شده. اینکار یعنی تورزدن به لانه کبوترها، بتن کردن روی چشمه‌ها و قطع درختان محوطه باغ با هدف ضربه‌زدن به محیط‌زیست انجام می‌گیرد. قصدشان خشکاندن محوطه شهر است.

## اهداف منفعت‌طلبانه

آنها اهداف اقتصادی منفعت‌طلبانه دارند، ولی هدف اصلی خشکاندن درختان محوطه بوده. بالاخره پای نفع مالی هم در وسط هست. وقتی سپاه و عوامل همدست او روی چشمه‌ها را بتن می‌کنند، بعد روی آن را دوباره آجر فرش کرده‌اند بخاطر این هست که نفع اقتصادی هم ببرند و چه بسا منافع



مالی هم در ظاهر قضیه هست. فاکتورسازی می کنند مثلاً می گویند ما ده تن آجر و یا بیست تن سیمان بکار بردیم و از اینجور چیزها، فاکتور می سازند. چون بالاخره پیمانکار حدود سی الی چهل میلیون تومان پول گرفته که این کار را انجام داده. یعنی هم چشمه ها را خشکانده اند، هم درختان را بریده اند، هم اینکه پیمانکار همان درخت هایی را که بریده، برده با آن دروپنجره ساخته و با مسئولین یا اساسا همان دزدان شریک شده. هم نفع اقتصادی برایشان داشته و هم اینکه در هدف کلانش، خشکاندن چشمه و درختان بوده. این بلا را بر سر کل فضای سبز در باغ گلستان آورده اند و در کل محوطه آن چندتا درخت بیشتر باقی نمانده. دوماه پیش آهک آوردند و ریختند تا درختان خشک شود. چون الان فصل باران است و ده پانزده روز است که باران می بارد و آهک در زمین فرومی رود و تقریباً تا یک ماه دیگر این درختان خشک شده و می افتند.

### نابود کردن آبزیان

انواع آبزیان در داخل این چشمه ها و جویبارها که فضای زیبایی بود، می زیستند. انواع آبزیان از قبیل سمور، ماهی، لاک پشت، قورباغه و انواع مختلف شامل ۴۰ الی ۵۰ نوع آبزی در داخل این جویبارها بودند. هم فضای سبز و هم آب و آبزیان را از بین بردند. وقتی چشمه ای خشک می شود، فقط تعدادی از آبزیان را که می میرند، می بینیم، ولی اساساً میلیونها آبزی، حشره و موجودات ریز در داخل آب هستند که برای محیط زیست بسیار با اهمیت هستند در حالی که ما آنها را با چشم معمولی نمی بینیم.

### تغییر کاربری اراضی و رانت خواران

یکی از کارهای دیگری که در لرستان البته در شمال آن دارد انجام می گیرد، صاف کردن و تغییر کاربری اراضی کشاورزی خصوصاً باغات هست با عنوان گردشگری. در ۴ الی ۵ سال اخیر میراث فرهنگی درختان را می برند و کلبه می سازند، سکو می زنند. سیمان و بتن و آجر بکار می گیرند و ظاهر طبیعت را تغییر می دهند. آنهم به نام و بهانه گردشگری و کمپ های گردشگری. در صورتی که میراث فرهنگی و عناصر آن اگر هدف کلانی پشت قضیه نیست، می توانند با سازه هایی که به طبیعت آسیب نرساند و درختان باغ بریده نشود، این کار را بکنند. یعنی سازه هایی را استفاده کنند که نیاز به قطع درختان نداشته باشد. الان در چند کیلومتری شهر خرم آباد دیگر باغی نمانده. همه باغ ها

را بریده‌اند تغییر کاربری داده‌اند و مشغول ساختن هتل و رستوران هستند. وام‌های کلان و کم‌بهره هم می‌دهند و درختان را بریده و طبیعت را نابود می‌کنند. این سازمان و عوامل همدست آن علاوه بر اینکه حق مالکیت شخصی را با گرفتن مجوز بدست آورده‌اند، دارند با رانت اراضی ملی، باغستان‌های ملی و درختان بلوط را هم قطع می‌کنند و تغییر کاربری می‌دهند. آنها تحت عناوین و بهانه‌هایی چون درخت مثمر و طرح‌های گردشگری ۹۹ ساله، آن را واگذار می‌کنند به افرادی که وصلند به رانت. بنابراین به مرور زمان این طبیعت سرسبز زاگرس از بین می‌رود. ۴ یا ۵ سال یکبار سازمان گردشگری می‌آید و سری می‌زند ولی وقتی قرار است این طرحها بصورت ۹۹ ساله به رانتخواران واگذار شود، معلوم نیست چه بلایی بر سر این منابع ملی خواهد آمد. به افراد خاصی واگذار می‌کنند که آن فرد هم درختان بلوط را قطع می‌کند و سازه گردشگری بنا می‌کند. یا اینکه حتی درختان ثمردار باغات را قطع می‌کند. درخت‌های ثمرداری که از بین می‌روند، ۳ الی ۴ ساله هستند، ولی درخت بلوط هزار ساله است. این پوشش گیاهی مخصوص زاگرس وقتی از بین رفت، درخت گیلاس و انار و گردو نمی‌توانند جایگزین درخت بلوط و این نوع پوشش گیاهی شود. وقتی درخت کاج در سرزمین‌هایی چون لرستان کاشته می‌شود، باعث خشکاندن درخت‌های دیگر می‌شود چون هر پوشش گیاهی مخصوص یک اقلیم هست.

### سر شکستگی و سرفشکیدی درختان کهنسال پناز باغ گلستان





## فاجعه در فریدون شهر و چهارمحال و بختیاری

بنا به گزارشی از ایندپندنت فارسی، رسانه‌های ایران گزارش داده‌اند امسال با قطع چهار هزار اصله درخت ۵۰۰ ساله منطقه زاگرس در شهرستان فریدون شهر (اصفهان)، قرار است برای روستایی با ۱۰ خانوار برای دومین بار جاده‌ای ساخته شود. ۱۲ سال پیش هم مسئولان با قطع درختان جنگل‌های زاگرس برای روستای «وزوه» جاده ساخته بودند و همه فکر می‌کردند با قربانی کردن این درختان کار برای همیشه تمام و دسترسی روستاییان راحت‌تر شده است. اما در حالی که بخشی از جاده اول هنوز پس از ۱۲ سال به پایان نرسیده است، مسئولان برای قطع دوباره درختان جنگل‌های زاگرس که ۴۶ درصد از آن‌ها از نوع «اندمیک» یا انحصاری و منحصر به فرد هستند، آماده شده‌اند و می‌خواهند جاده دوم را احداث کنند. جاده دومی که هم تخریب بخشی از جنگل‌های زاگرس را در پی دارد و هم راه دسترسی قاچاقچیان چوب به دل جنگل‌های بلوط را باز می‌کند.

ساخت تونل‌های انتقال آب گلاب، بهشت‌آباد و کوه‌رنگ ۳ برای انتقال آب چهارمحال و بختیاری که با اعتراضات خیابانی دهها هزار نفری مواجه شد از جمله اقدامات مخرب نظام حاکم ایران است.

وقتی در آغازین روزهای بهار سال ۱۳۹۳ قرارگاه خاتم‌الانبیا پروژه سد و تونل بهشت‌آباد را آغاز کرد و نیز وقتی پروژه انتقال آب سبزکوه توسط همان قرارگاه آغاز گردید، خلق بختیاری و فعالان محیط‌زیست به مخالفت با آن برخاستند اما برعکس، این قرارگاه خاتم‌الانبیا بود که از خلق و فعالان محیط‌زیست به دلیل

مخالفت با انتقال آب سبزکوه، شکایت کرد. سدسازی، انتقال آب بین حوضه‌ای و شیرین‌سازی آب سه راه مهم است که سپاه پاسداران در هر سه حوزه سود کلان به جیب می‌زند.



## سدسازی بی‌رویه و غیرعلمی

پروژه‌های سدسازی همواره یکی از راه‌حل‌های تامین آب برای اهداف کشاورزی، انرژی و آب شرب بودند اما مستندات اخیر در کشور و نظر غالب کارشناسان و متخصصان و همچنین گزارش کمیسیون جهانی سد نشان می‌دهد سدها گزینه مناسبی برای اهداف فوق نبوده و بهتر است پیش از هر اقدامی برای تامین آب، مدیریت مصرف منابع آبی سرلوحه کار قرار گیرد.

سپاه پاسداران که به مافیای سدسازی مبدل شده، تمامی مراحل مطالعات اولیه و کارشناسی‌های نخستین را نیز در راستای منافع مالی خود تنظیم می‌کند. به همین دلیل سدها سد بی‌رویه و زیان‌بار را در سراسر زاگرس احداث نموده. هم حقایق‌ها را در اوج فقدان اخلاق سیاسی و اجتماعی تزیین می‌نماید و هم موجب نابودی جنگل‌های بلوط می‌شود. پس سپاه در همه پروژه‌های سدسازی بصورت ظاهر سازانه برخی مطالعات اولیه را انجام می‌دهد و بی‌تعلل وارد فاز نهایی ساخت سد می‌شود. بنابراین محدودیت‌های توپوگرافی، زمین‌شناسی، لرزه‌خیزی، زیست‌محیطی و اقتصادی برایش اهمیتی ندارد. سازه‌های هیدرولیک

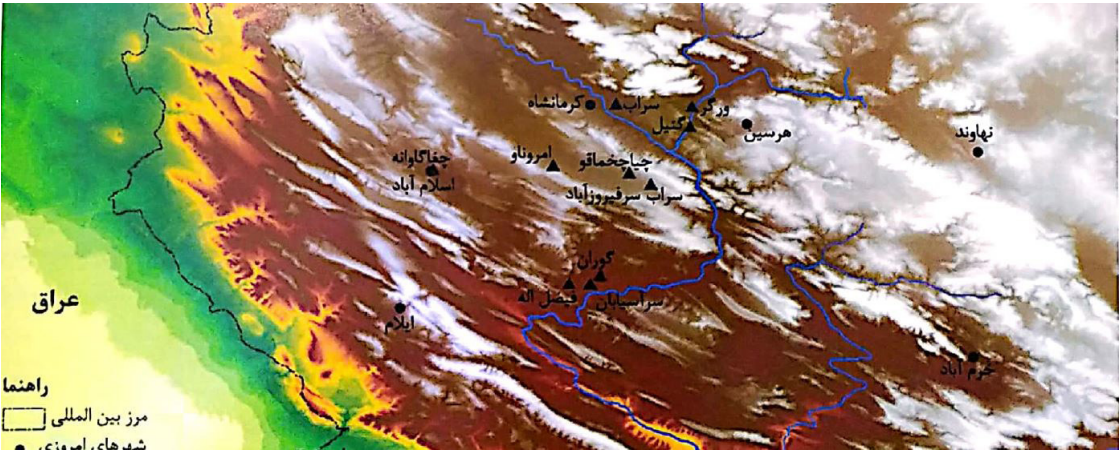


که سپاه می‌سازد، به دلیل بی‌توجهی منفعت‌طلبانه به کارشناسی‌های علمی، همه‌بی‌رویه و نابودگر هستند. خود رودخانه‌ها، حقایق‌های مردمان پایین دست رود، جنگل‌ها و آبخوان‌های زیرزمینی قربانی این طمع‌ورزی سپاه پاسداران می‌شود. هر بلایی بر سر حوزه محیط زیست آمده طی چهار دهه گذشته بوده است. رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و تالاب‌ها به همین دلیل در شرف خشک‌شدن هستند.

در محیط‌های جنگلی که نمونه‌های جانوری و گیاهی نادر وجود دارند، باید توجه ویژه در این خصوص صورت گیرد که غرقابی محیط در حداقل ممکن باشد درحالی که سپاه در اکثر پروژه‌های خود به این قضایا توجهی نمی‌کند. آبگیری مخزن سد موجب اشباع شدن طبقات زمین در پی و تکیه‌گاه‌ها و دامنه‌های دره در کل گستره مخزن می‌شود که در پاره‌ای موارد، موجب ناپایداری و لغزش زمین شده و حتی ممکن است شرایط را برای بروز زلزله‌های القایی فراهم کند. اصول علمی این است که ه‌طور کلی، انتقال آب از یک حوضه به حوضه دیگر در دراز مدت به نفع هیچ‌یک از طرفین، اعم از منطقه مبدأ و مقصد نخواهد بود. در ایران آبهای زاگرس به مناطق مرکزی ایران انتقال داده می‌شود که گذشته از غارت منابع آبی، با احداث تونل‌های هزاران کیلومتری و با خود سد آسیب بسیار گسترده‌ای که جنگل‌ها و خاک می‌زنند. سیاست‌های طولانی مدت جمهوری ولایی ایران در خصوص افزایش جمعیت همانا نابودی منابع آبی و محیط‌زیست است. زیرا منابع فعلی آب ایران بنا به گفته کارشناسان، تنها برای یک جمعیت ۶۰ میلیونی کافی است درحالی که امروز جمعیت ایران و شرق کردستان از ۸۰ میلیون نفر گذشته و رژیم در تبلیغات خود و بنا به توصیه‌های خامنه‌ای که اهداف نظامی پشت آن قرار دارد، افزایش جمعیت به بیش از ۱۲۰ میلیون را بصورت راهبردی در اهداف خود گنجانده که فاجعه‌بار است.

همچنین سپاه پس از کسب سودهای کلان از ناحیه احداث صدها سد بی‌رویه، تبلیغ می‌کند که توانسته سیل‌های زیادی را در سراسر کشور مهار نماید درحالی که کارشناسان محیط‌زیست فریاد می‌زنند که سدسازی راه مهار سیل نیست و حتی خطرات زیان‌باری هم به همراه دارد. سه سد بزرگ بر روی زاب کوچک احداث و آبگیری شده است. سد

سردشت ۲۰۱۷ سد سیلوه ۲۰۱۸ و سد کانی سیب ۲۰۲۰ که از طریق تونل‌ها به دریاچه اورمیه آب آن انتقال داده می‌شود. همچنین آب دهها سد بزرگ دیگر از استان‌های کردستان، کرمانشاه و ایلام، خوزستان، لرستان و استان‌های بختیاری‌نشین گُرد به مناطق خشک مرکز ایران از طریق احداث تونل، بزرگ‌ترین ضربه‌ها را به جنگل‌های زاگرس و فرسایش خاک زده است.



## آخرین ناله‌های حزین زاگرس

### مساحت جنگلها در استان‌ها

جنگل‌های زاگرس در شرق کردستان ۶ میلیون و ۸۰۰ هزار هکتار می‌باشد که ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار هکتار آن در معرض خشکیدگی است و ۶۰۰ هزار هکتار آن در لرستان قرار دارد. این سطح خشکیدگی بیش از یک میلیونی عمدتاً در استان‌های ایلام، لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، فارس، چهارمحال و بختیاری و خوزستان پراکنش یافته.

۶۴۱ هزار و ۶۷۷ هکتار جنگل طبیعی در استان ایلام است؛ حدود ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار هکتار از مساحت استان لرستان پوشیده از جنگل است؛ کهگیلویه و بویراحمد دارای ۵۵۲ هزار هکتار مرتع و بیش از ۸۰۰ هزار هکتار جنگل است. مساحت جنگل‌های طبیعی استان کردستان در حال حاضر در حدود ۳۲۰،۰۰۰ هکتار است در حالیکه در گذشته نه چندان دور مساحت این جنگل‌ها ۵۰۰،۰۰۰ هکتار بوده است. وسعت جنگل‌های طبیعی استان اورمیه بیش از ۱۰۹ هزار و ۳۸۴

هکتار است. مساحت جنگل‌های زاگرس در استان کرمانشاه ۵۲۷ هزار و ۴۰۳ هکتار است که از نظر مساحت جنگل بین یازده استان ناحیه ریشی زاگرس، در جایگاه ششم قرار دارد. در کرمانشاه، مناطق جنگلی قصر شیرین و سومار به سمت بیابانی شدن پیش می‌رود. مساحت جنگل‌های چهارمحال و بختیاری ۳۳۶ هزار و ۴۳۸ هکتار می‌باشد. مساحت جنگل‌های طبیعی خوزستان که در بخش بختیاری نشین قرارداد ۱ میلیون و ۲۰ هزار و ۶۵ هکتار است. مساحت جنگل‌های فارس و ممسنی ۲ میلیون و ۲۲۹ هزار و ۵۳۸ هکتار است. مساحت جنگل‌های اصفهان و بختیاری نشین آن ۴۱۱ هزار و ۸۴۷ هکتار است.

### تنوع زیستی پر مخاطره

طی ۲ دهه اخیر ۳۰ درصد زاگرس در معرض خشکیدگی قرار گرفته و ۱۵ تا ۲۰ میلیون درخت بلوط از بین رفته است و هر سال بین ۱۰ تا ۱۵ هزار هکتار از این جنگل‌ها در آتش‌سوزی‌ها به خاکستر تبدیل می‌شود. امروزه چیزی حدود ۷ دهم سانتیگراد دمای هوا افزایش یافته و کاهش سالیانه ۹۰ میلیمتر بارندگی، و ۸ گره افزایش سرعت باد زاگرس را به آستانه زوال رسانده. همچنین رطوبت نسبی سالیانه دونیم درصد کاهش یافته.

به همین دلیل هر چهار تنوع زیستی رویشگاه زاگرس شامل «تنوع زیستی، تنوع گونه، تنوع ژنتیکی و تنوع کارکردی» بخاطر بی‌توجهی عامدانه حاکمیت ایران با چالش و تنش فزاینده مواجه شده.

اساساً نظام مافیای ثروت و قدرت بخاطر انحصارات سودپرستانه خود هیچ برنامه‌ای برای مقابله با گرمایش زمین، مبارزه با آفات (همچو حشره چوب‌خوار و یا پروانه جوانه‌خوار و حتی شاخه‌های نیمه‌انگلی لورانتوس و پسمانده‌های پزشکی که مدیریت نمی‌شوند) و نیز برای مقابله با ریزگردها ندارد. «سازمان جنگل‌ها» و «اداره کل منابع طبیعی» در هر ۱۱ استانی که پوشش جنگلی زاگرس در آنها قرار دارد، تنها تعداد معدودی از افراد را برای حفاظت از جنگل‌ها در هر استان در نظر گرفته‌اند که اصلاً کافی نیست و برخی منابع که نخواستند نام‌شان فاش شود، اقرار کردند که این امر بخاطر پیشبرد برنامه‌های مافیایی خود آنها مورد بی‌توجهی قرار گرفته.

### عدم تخصیص بودجه

در ایران سالانه می‌بایست بنا به اعلام منابع رسمی حاکمیت، روی ۳ میلیون

هکتار از اراضی عملیات آبخیزداری انجام شود تا از وقوع سیل و فرسایش خاک جلوگیری نمایند. این در حالی است که بخاطر کمبود بودجه تخصیصی آبخیزداری، در بهترین حالت سالی ۱.۵ میلیون هکتار آبخیزداری می‌شود و خود سازمان جنگل‌ها نیز در وبسایت زیست‌سیما در ۲۱ دی ۱۴۰۰ به آن اعتراف کرده. طی بیش از ۴ دهه حاکمیت جمهوری ولایی ایران، تاکنون تنها حدود ۲۵ درصد کشور را تحت پوشش عملیات آبخیزداری قرار داده‌اند. دلیل اصلی آن نیز عدم تخصیص اعتبارات کافی و مدیریت فاسد و رانت‌خوار است. در سال ۱۴۰۰ بنا به آمارهای اعلام شده از سوی خود مسئولین رژیم، ۲۱۵۷ میلیارد تومان از اسناد خزانه بودجه تخصیص داده شد که این رقم می‌بایست بنا به نیاز، سالانه ۸ هزار میلیارد تومان می‌بود. این رقم در بودجه سال ۱۴۰۱ نیز بدون تغییر باقی مانده.

### سند راهبردی زاگرس

با وجود گذشت ۴۳ سال از حاکمیت نظام جمهوری ولایی اما زاگرس هنوز از یک سند راهبردی برای حفاظت برخوردار نیست. در سال ۱۴۰۰ پس از رخ دادن فاجعه، تازه نظام به فکر تهیه یک سند افتاده که موسوم به سند «حفاظت و مدیریت بوم‌سازان زاگرس» است که البته هنوز به تصویب نرسیده است و احکام پیشنهادی آن در دست بررسی است. بسیاری از بندها و تبصره‌های این سند با توجه به ساختار مافیایی قدرتی و اجرایی نظام حاکم، اصلاً امیدبخش نیست و تنها یک تبلیغات می‌باشد. سند راهبردی حفاظت از جنگل‌های زاگرس دارای ۱۳ بند و ۴ تبصره است که بنیادی‌ترین آنها بصورت ذیل است:

«دستیابی به انسجام سازمانی و مدیریت جامع در بوم‌سازگان زاگرس، سالم‌سازی و افزایش تاب‌آوری، بهبود معیشت جوامع محلی و حذف بهره‌برداری‌های ناپایدار با مشارکت مردم، سازگاری طرح‌های توسعه‌ای و عمرانی با بوم‌سازگان زاگرس، تحقیقات آموزشی و ترویج دانش بومی و آشکارسازی تغییرات و پایش بوم‌سازگان» از راهبردهای این سند به شمار می‌آید.

این راهبردها بسیار گنگ بوده و شکل تبلیغات سیاسی دارد، زیرا مناطق و استان‌های شرق کردستان جزو محروم‌ترین مناطق هستند و شرط موفقیت این سند، نخست، صداقت است که رژیم ندارد و دوم، رفع محرومیت و لذا اشتغال‌زایی می‌باشد که کاملاً روشن است با ساختار کنونی نظام سیاسی و



امنیتی حاکم و با رویکرد راهبردی مافیایی، عملی کردن آن غیرممکن است. پوچ بودن ادعای رژیم را می‌توان با میزان بودجه بسیار ناچیزی که اختصاص داده، اثبات نمود.

## فرسایش خاک و سیل

اگر سطح جنگل‌ها از بین رود، سرعت برخورد دانه‌های باران به خاک افزایش یافته و خاک دانه‌ها را از هم می‌پاشاند، این مساله باعث فرسایش خاک می‌شود و از طرفی چون خلل و فرج‌های خاک گرفته شده و امکان نفوذ آب به خاک از بین رفته و سیل‌های ویرانگر رخ می‌دهد. وقتی ارتفاعات و کوه شیب‌دار از جنگل تهی شود، گذشته از فجایع زیست‌محیطی متعدد، موجب جریان سریع آب به سوی پایین‌دست و لذا وقوع سیل می‌گردد.



پس از وقوع سیل ویرانگر لرستان در سال ۲۰۱۷، همگان متوجه شدند که در یک دهه اخیر به دلایل مختلف از جمله سدسازی، جاده‌سازی، انتقال خطوط نفت و گاز، جنگل‌ها و مراتع استان‌های ایلام و لرستان از بین رفته‌اند و یکی از عوامل جاری شدن سیل است. رژیم سودجوی ایران و مافیای سپاه، قوانین حاکم بر اقلیم و طبیعت مناطق زاگرس را نادیده می‌گیرد و فاجعه‌به‌بار می‌آورد. سیل لرستان بالغ بر ۲۰۰ میلیارد تومان خسارت وارد کرد و ۶۰۰ کیلومتر از راه‌های استان از بین رفت. همچنین به باغات و زمین‌های کشاورزی روستاها خسارات شدیدی وارد آورد. همه آن نیز بخاطر از بین رفتن جنگل‌ها و

مراتع هر دو استان بود. سپاه پاسداران کاری کرده که طرح‌هایی مانند صیانت از تنوع زیستی و توسعه پایدار و آبخیزداری، سالها روی میز سازمان جنگل‌ها باقی بماند. جنگل‌های زاگرس بوم‌سازگان تاریخی و منحصر به فرد هستند که به اندازه منافع آب حیاتی هستند زیرا موجب نفوذ آب در زیر زمین، پر کردن سفره‌ها و آبخوان‌ها و لذا جلوگیری از سیل می‌گردند. این آبهای شیرین که همیشه قریب ۱۰ میلیون نفر را سیراب می‌کنند، بخاطر نابودی جنگل‌ها به سیل مبدل شده و گذشته از برجای گذاشتن خسارات، به هدر می‌رود.

### آتش‌سوزی و جانباختن فعالان محیط‌زیست

بدلیل اینکه سپاه پاسداران یک نهاد هیولایی مافیایی است، در شرح وظایف نیروهای مسلح ایران، خاموش کردن آتش جزو منافع ملی محسوب نمی‌شود. حتی برخی منابع آگاه اذعان می‌دارند که برای مهار آتش‌سوزی‌ها



به هلیکوپترهای پیشرفته با فناوری جدید نیاز هست ولی امروز ایران با نوع هلیکوپترهای ناکارآمدی که دارد، طی اعمال تشریفات بروکراتیک، بدون پرداخت چندده میلیون تومان، دستور پرواز یک هلیکوپتر را صادر نمی‌کنند. به همین دلیل در سراسر زاگرس تنها راهکار، روش ابتکاری خود روستائیان و فعالان محیط‌زیست تحت عنوان «آتش‌بُر» بکار گرفته می‌شود که در کردستان سالانه افرادی از فعالان زیست‌محیطی جان‌شان را از دست می‌دهند.

**مریوان:** شریف باجور که در سوم شهریور ۱۳۹۷ به همراه امید کهنه‌پوشی از اعضای انجمن سبز چیا و محمد پژوهی و رحمت حکیمی‌نیا از جنگل‌بانان

منطقه برای مهار آتش سوزی در جنگل‌های روستای پيله و سلسی به آن جا رفته بودند، گرفتار آتش شدند و جان باختند. از سوی فعالان زیست‌محیطی، رسانه‌ها و افکار عمومی دلیل جانباختن شریف و یارانش وقوع انفجار توسط سپاه پاسداران عنوان گردید.

**فیروزآباد:** جانباختن نیروهای مردمی داوطلب و فداکار زیست‌محیطی در تنگه «هایقر» واقع در کوه‌های فیروزآباد استان فارس در روزهای ۱۱ و ۱۲ مرداد ماه ۱۴۰۰ یک واقعه اسفناک بود. «جهانبخش بهزادی»، «ناصر بهزادی»، «حامد بهزادی» و «رضا بهزادی» در این حادثه دچار سوختگی و در سر صحنه جان باختند.

**پاوه:** ۸ تیر ۱۳۹۹ در پی آتش سوزی در مناطق جنگلی «بوزین» و «مره خیل» شهرستان پاوه در استان کرمانشان، مختار خندانی از اعضای موسس انجمن «ژیوای» پاوه، یاسین کریمی عضو کمیته عملیاتی این انجمن و بلال امینی از نیروهای داوطلب مردمی که در قالب گروه‌های عملیاتی به منطقه رفته بودند در حین مهار آتش سوزی جان خود را از دست دادند.

**چهارمحال و بختیاری:** فعالان محیط‌زیست در شبکه‌های اجتماعی از جانباختن «حسین حاجی حسنی» در روز یکشنبه بیستم تیرماه ۱۴۰۰ در جریان اطفاء حریق منطقه حفاظت شده هلن در شهرستان کیار واقع در استان چهار محال و بختیاری، خبر داده‌اند.

## ریزگردها

جنگل‌های زاگرس یکی از مهمترین فیلترهای طبیعی در مقابل پدیده ریزگردها در غرب ایران هستند، اما ریزگردها به بزرگ‌ترین بلا برای جنگل‌های زاگرس مبدل شده. بر اساس نتایج تحقیقات مکرر، ریزگردها باعث کاهش سطح مدخل ورودی روزه‌های برگ، کاهش میزان کلروفیل، افزایش میزان پرولین، کاهش میزان تبادلات گازی از جمله کاهش میزان هدایت روزه‌ای و فتوسنتز می‌شود. تأثیرات مخرب ریزگردها بر برگ درخت بلوط بیش از انواعی چون مازو، وی‌ول و پسته وحشی است. خصوصیات آناتومیکی برگ در گونه‌ها متفاوت بوده و این تفاوت در انباشت ریزگرد روی برگ گونه‌ها تأثیرگذار بود. جذب ۶۸ تن گردوغبار به‌وسیله هر هکتار جنگل خود نشان از نقش مهم و بی‌بدیل جنگل‌ها در بهبود شرایط زندگی انسان است.

شاید سیاست مسئولین نظام این است که در جریان پروپاگاندا گسترده خود کشورهای عربی همسایه را عامل و منشا افزایش ریزگردها معرفی نمایند، اما «خشکاندن تالاب هورالعظیم در خوزستان، خشکاندن رودخانه‌ها و تالاب‌ها بر اثر سدسازی‌های بی‌رویه سپاه» از جمله عوامل عدیده و خطرناک داخلی در ایران از منظر پدیده ریزگردها است.

پدیده ریزگردها سال به سال خطرناکتر می‌گردد. در برخی مواقع غلظت ذرات معلق بر اساس میانگین ساعتی به بیش از ۷ هزار و ۹۰۰ میکروگرم بر متر مکعب حدود ۵۳ برابر حد مجاز در سال‌های گذشته افزایش یافته است. ریزگردها معمولا اجازه نمی‌دهند عمل فتوستنتز در برگ درختان بلوط و سایر انواع انجام شود.

### پسماندهای بیمارستانی

دپو کردن و یا رها کردن پسماندهای شهری خاصه بیمارستان‌ها در جنگل‌ها از جمله تنش‌های بزرگ بحران‌زا در جنگل‌های زاگرس است. هر استان روزانه بیش از ۲ تن پسمانده عفونی در بیمارستان‌ها تولید می‌کند و جنگل‌های زاگرس در ۱۱ استان واقع شده. اگر این پسمانده به نحو احسن مدیریت نشود و با استفاده از فناوری‌های نوین بی‌خطر گردانده نشوند، به بلای جان زاگرس و اکوسیستم آن از گیاهان گرفته تا جنگل‌ها و تنوع زیستی آن می‌گردند.

از پیرانشهر گرفته تا کهگیلویه و بویراحمد، زباله‌های بیمارستانی در جنگل‌ها رها گردانده می‌شود. «جنگل کلگجی» در حاشیه شهر لردگان، جنگل‌های چهل روستای کامفیروز، جنگل‌های گاران سنه، جنگل‌های خرم‌آباد و بروجرد، مریوان، کرمانشاه و هورامان، پارک جنگلی شهر یاسوج و بسیاری نقاط دیگر در استان‌ها زباله‌ها موجب نابودی محیط‌زیست و جنگل‌ها می‌شود.

### تهیه زغال

سالانه جنگل‌های بسیار زیادی در زاگرس به منظور استفاده از چوب‌های جنگلی در زمینه‌های مختلف و از جمله تولید زغال چوب مورد نیاز اهالی محلی و نیز افراد سودجو از بین می‌روند. اهالی محلی به دلیل حضور مستمر در جنگل‌ها، کمبود شغل و درآمد ناچیز از جنگل‌ها به عنوان یک منبع درآمد فرعی بهره‌می‌برند. دولت حاکم نیز هیچ اقدامی برای کاهش محرومیت در راستای اشتغال‌زایی انجام نمی‌دهد تا از محل رانت‌ها و منافع خود برای این



امورات هزینه نکند.

آمارها نشان می‌دهد که سالانه هزار هکتار از جنگلهای زاگرس به ذغال تبدیل می‌شوند. هم مشکلات معیشتی اهالی زاگرس بسیار زیاد است، هم اینکه مناطق زاگرسی کم‌تر توسعه یافته هستند و هم اینکه در زمینه حفظ جنگل‌ها فرهنگ‌سازی نمی‌شود. زغال‌گیری از جمله مواردی است که در اثر سودجویی و ناآگاهی انجام می‌گیرد. افزایش قاچاق زغال در سال‌های اخیر کروناایی بیانگر رشد فقر در جوامع زاگرسی می‌باشد. پروسه زغال‌گیری ۲ الی ۳ روز طول می‌کشد و در مناطق روستایی سود کمی دربردارد طوری که قیمت هر کیلوگرم زغال در روستاها یک‌سوم قیمت آن در شهرها می‌باشد.

### لورانتوس

گیاه نیمه انگلی لورانتوس به کُردی موخور و معادل فارسی داروآش، آب و مواد غذایی خود را از شاخه درختان بلوط تامین می‌کند و خود فتوسنتز را انجام می‌دهد. این آفت یک درخت کامل با گل‌برگ و میوه است که ریشه ندارد و آب و مواد غذایی خود را از درختان بلوط می‌گیرد. در اصل یک نوع درختچه است که با تغذیه از آب و مواد غذایی بلوط باعث ضعیف شدن میزبان می‌شود و به مرور میزبان را خشک میکند. تنها روش کنترل این آفت حذف قسمت‌های آلوده به روش فیزیکی است که



البته کنترل کامل این آفت غیرممکن می‌باشد. این آفت توسط دامها خورده و از بین می‌رود بنابراین روستائیان بویژه چوپان‌ها نقش بزرگی در مهار آن دارند. کاشت نهال و بذر بهترین راه احیای درخت بلوط برای پیشگیری از آفت لورانتوس است. لورانتوس به عنوان یک گیاه نیمه‌انگلی ۱۵۰ هزار هکتار از عرصه‌های جنگلی استان ایلام را در بر گرفته است.

## بیماری زغالی

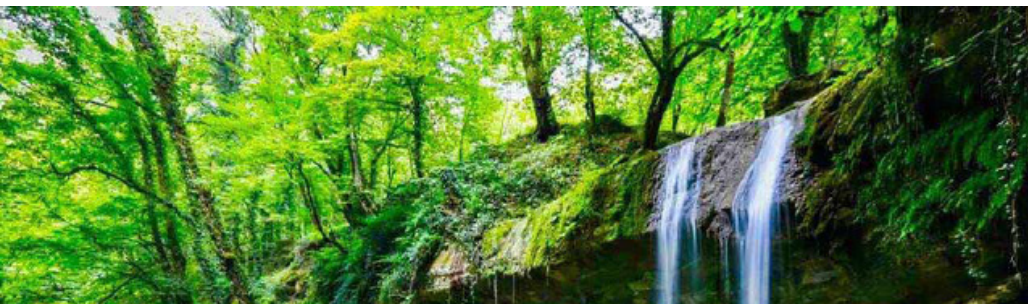
نقش عوامل بیماری‌زا و تنش‌های محیطی در پدیده زوال بلوط مهم است، در این میان قارچی به نام بیماری زغالی نیز خسارت جدی به جنگل‌های بلوط وارد کرده است. قارچ‌های عامل بیماری زغالی در جنگل‌های استان ایلام و لرستان شامل *Biscogniauxia mediterranea* و *Obolarina persica* می‌باشند. بیماری زغالی بلوط اکثراً در ایلام و لرستان طغیان کرده و موجب آسیب به درختان بلوط شده است. انتشار آنها در چوب علاوه بر گسترش طولی، به صورت عرضی و شعاعی به سمت مغز چوب است، بطوری که آوندهای چوبی و آبکش را درگیر می‌کند. اثر خشکسالی، به عنوان عامل اولیه ضعف درختان غیرقابل انکار است.

شناسایی لابراتواری و سم‌پاشی به موقع و نیز قطع درختان بیمار دو راه برای جلوگیری از پراکنش محیطی و سرایت آن به سایر درختان بلوط است. افزایش دمای فصلی سبب گسترش فعالیت پاتوژن قارچ‌ها و شیوع آفات همزاد بلوط در زاگرس می‌شود. لذا کارشناسان راه اساسی را افزایش کربن خاک می‌دانند. بنا بر تحقیقات و آنالیزهای انجام‌شده توسط دانشگاه تهران، دمای هوای منطقه زاگرس ۳ درصد، سرعت وزش باد ۲۰ درصد و تبخیر تعرق ۶ درصد افزایش یافته و این در حالی است که میزان بارندگی در این منطقه ۶ درصد کاهش نشان می‌دهد. یکی از مهم‌ترین دلایل عنوان‌شده زوال بلوط زاگرس، مبنی بر مجموعه‌ای از عوامل بیماری‌زا و تنش‌های محیطی است. در گذشته این عوامل وجود نداشته اما در سال‌های اخیر تنش‌های محیطی موجب فعال شدن برخی قارچ‌ها شده که این عوامل منجر به بیماری زغالی شده که در این صورت قابلیت احیا درخت وجود ندارد.

## سوسک چوبخوار

در بیماری فعلی درختان بلوط، نوعی سوسک با لانه‌گزینی در درخت بلوط

موجب زوال و خشکیدگی آن می‌شود که تاکنون دلیل هجوم این سوسک‌ها به جنگل‌های بلوط شناسایی نشده‌است. این حشره تنها به درختان بلوط حمله‌ور می‌شود و کارشناسان دلایل متعددی از جمله گرد و غبار، خشکسالی و حتی اثرات ناشی از بمب‌های شیمیایی در زمان جنگ را از عوامل پیدایش و حمله این سوسک‌ها به جنگل‌های بلوط عنوان می‌کنند. ۷۰ درصد علل بیماری، خشکسالی تشخیص داده شده‌است.



### رابطه میان جنگل‌ها و تولید آب

۴۵ درصد از منابع آب شیرین ایران از زاگرس سرچشمه می‌گیرد. جنگل‌های زاگرس مایه افزایش ذخیره آب در آبخوانها و سفره‌های زیرزمینی می‌شود. رویشگاههای جنگلی همانند یک کاتالیزور عمل کرده و باعث می‌شود پس از بارندگی قطرات به آرامی به سطح خاک وارد شود. به گفته کارشناسان منابع طبیعی هر هکتار جنگل بلوط سالانه قادر به ذخیره‌سازی ۵۰۰ تا ۲ هزار متر مکعب آب در خاک است و سرعت نفوذ بارش در خاک‌های جنگل‌های بلوط ۴۰ برابر بیشتر از اراضی بدون جنگل است.

زادآوری و افزایش پوشش جنگلی و گیاهی زاگرس به باران و برف نیاز دارد که آن نیز وابسته به بادهای غربی و مدیترانه‌ای است. بادهایی که رطوبت را به این منطقه می‌آورند. بنابراین خشک‌سالی و تغییر اقلیم موجب خسارت شدید به پوشش جنگلی و گیاهی و کم‌آبی خواهد شد. میزان بارش زیاد در یک دوره کوتاه و جاری‌شدن سیل، نشانگر تغییر اقلیم در زاگرس است. تنها راه برای رویش بیشتر درختان بلوط، نگهداری آب در حوضه‌های جغرافیایی زاگرس است.

## سودهای حفاظت از زاگرس

حفاظت از جنگل‌های زاگرس سودها و نفع‌های ذیل را دربردارد:

«احیای پوشش گیاهی، ذخیره آبهای زیرزمینی، حفظ منابع آب و خاک، ترسیب کربن و تولید اکسیژن، جلوگیری از ایجاد روان آب و حفظ زیستگاه مناسب برای حیات وحش، بهبود کیفیت آب، تأمین الوار، فیبر و سوخت پایدار، بهبود کیفیت خاک، اشتغال زایی روستایی، افزایش تنوع زیستی، بهبود کیفیت هوا، کمک به مقابله با تغییر اقلیم، تأمین محصولات درختی و جنگلی.»

هر هکتار درخت بلوط قادر است حدود ۶۸ تن از آلاینده‌ها و ریزگردها را رسوب دهد. از آنجا که هر درخت، اکسیژن مورد نیاز ۲ انسان را تأمین می‌کند بنابراین با قطع هر درخت منبع تولید اکسیژن برای ۲ انسان از بین می‌رود. گونه ارزشمند درخت بلوط مازو یا شاه بلوط گونه‌ای است که در حال نابودی است. گونه‌های گیاهی زیادی همانند بلوط در معرض خطر نابودی قرار دارند. علاوه بر بلوط، گونه‌هایی چون ارژن، شن و گون نیز درگیر این پدیده و خشکیدگی شده‌است. گونه «گون» که بیشتر ارتفاعات زاگرس محل رویش آن است، در حال زرد و خشک شدن بوده که این یک پدیده نوظهور است. در حفظ این گونه‌ها، علاوه بر منافع مالی و ارزش محیط‌زیستی، از بیابان‌زایی جلوگیری می‌کنند.

## همیاری مردمی و فعالان محیط‌زیست

میانگین سرانه فضای سبز برای هر نفر ایرانی کمتر از ۲/۰ هکتار است، در صورتی که میانگین فضای سبز در جهان برای هر نفر ۸/۰ هکتار است. این آمار نشان می‌دهد که در ایران کمتر از یک چهارم میانگین جهانی فضای سبز وجود دارد.

سالانه ده هزار هکتار از جنگلهای زاگرس نابود می‌شوند. طی هفتاد سال گذشته بیش از ۷ میلیون از جنگل‌های زاگرس نابود شدند. وسعت جنگل‌های زاگرس از ۱۳ میلیون هکتار در سال ۱۳۲۵ به نصف در امروز رسیده. در چهار دهه گذشته جنگل‌های شمال ایران به نصف و کل کشور یک‌سوم کاهش یافته است. بنابراین زاگرس را تنها همت خلقی محلی می‌تواند نجات دهد. هر ساله طبیعت دوستان استان چهار فصل کهگیلویه و بویراحمد برای احیای



جنگل‌های زاگرس و جلوگیری از فرسایش خاک به دل دامن طبیعت سرسبز این استان می‌زنند و همراه خود بذرهای مختلف گیاهی و جنگلی برای کاشت در مناطق بدون درخت و پوشش گیاهی حمل می‌کنند.

به دلیل این که روند زادآوری درخت‌های بلوط، ون و انواع دیگر در زاگرس بسیار کند می‌باشد، نیاز به همیاری و همت خلق‌های محلی دارد که با کاشت سالانه دهها هزار نهال، از نابودی آن جلوگیری کنند.

## ویردار زاگرس

ویردار در کردی لری یعنی «نگهبان». خلق در هر منطقه از زاگرس می‌تواند روش قُرق را جهت احیای بلوط بکار گیرد. قُرق، تنها راه برای حفظ و احیای مناطق آسیب‌دیده جنگلی برای چندین سال است. هر منطقه آسیب‌دیده خاصه آسیب ناشی از آتش‌سوزی بایستی دست کم ۵ سال قُرق شود. این امر اصلاً در برنامه حاکمیت ایران قرار ندارد.

یکی از مزایای قُرق، احیای مناطقی است که خود روستائیان و یا مافیا و قاچاقچیان چوب به قطع گسترده در آن مناطق دست زده‌اند. برای انجمن سبز چیا در شهرستان مریوان در ۱۵ آوریل ۲۰۲۱ اعلام کرد که ۱۲۰۰ مورد تخریب و تصرف در جنگل‌های زاگرس مریوان را شناسایی کرده. همان انجمن در ۷ ژانویه ۲۰۲۱ شناسایی بیش از ۶۵۰ مورد تخریب جنگل در شهرستان مریوان و حومه را اعلام کرد. یکی از اهالی روستای پنبه زار در بویراحمد هم به خبرگزاری صداوسیما رژی‌م گفته: «شبانه حدود یکصد اصله درخت در حاشیه این روستا قطع شد و معلوم نیست به کجا منتقل شدند و قطعاً فرد یا افرادی در این روستا با قاچاقچیان همدستی می‌کنند». این یعنی این که در مناطق زاگرس، خود روستاها می‌توانند اصلی‌ترین ویردار زاگرس شوند نه صرفاً دولت.



## کودار ۳ شهریور را روز محیط‌زیست نامید

«جامعه دموکراتیک  
و آزاد شرق کردستان»  
در کنگره سوم خود  
۳ شهریور، سالروز  
شهادت شریف باجور  
و یارانش را بعنوان روز  
محیط‌زیست بطور  
رسمی اعلام کرد.  
این روز، روز زاگرس  
و زاگرس‌نشینان  
است که بایستی با  
همت و تلاش خویش  
حماسه‌ها در راستای  
حفظ زیست‌بوم آن  
بیافرینند همانطور که  
در طول یک تاریخ  
هزاران ساله، زاگرس  
آنها را در گهواره خود  
پرورانده.



# انجمن‌های زیست‌محیطی استان‌های زاگرسی

## الف - استان سنه:

۱. انجمن سبز چیا - مریوان ۲. شنه‌ی
- نوژین - سنندج ۳. پاژین - بانه ۴. ژيوای - پاوه
۵. محافظان محیط‌زیست زاگرس - سه‌لاس
۶. سراب سبز - قروه ۷. ماپریس - جوانرود ۸
- ژینکو - شنو ۹. سرو سبز - دالاهو ۱۰ جمعیت
- سبز کردستان - سنندج ۱۱. چرو - روانسر ۱۲.
- حافظان محیط‌زیست - پیرانشهر ۱۳. حافظان
- محیط‌زیست - سقز ۱۴. انجمن زیست‌محیطی
- دوستداران طبیعت - سعدآباد ۱۵. موسسه مدافعان
- محیط زیست - بوکان ۱۶. انجمن زایل -
- مهاباد ۱۷. انجمن مدافعان طبیعت - بیجار ۱۸.
- انجمن کانی - کامیاران ۱۹. پاکبانان طبیعت
- گروس - بیجار ۲۰. لاله‌های نثار گروس - بیجار
۲۱. دیدبان زاگرس - اندیمشک ۲۲. ژیانه‌وی
- ژینگه - مهاباد ۲۳. انجمن ژینگه سبز سنه
۲۴. سراب سبز - قروه ۲۵. پاکو - سروآباد ۲۶.
- تریفه - اورامان ۲۷. نهضت بلوط زاگروس -
- ایلام ۲۸. انجمن هوازو دیواندره ۲۹. انجمن
- زیست‌محیطی سراب گامیش ۳۰. محافظان بلوط
- دوچرخه سوار - سردشت ۳۱. انجمن زنان زمین و
- توسعه پایدار (راه‌سبز سنه)، ۳۲. جمعیت شیدای
- سبز لیلاخ، ۳۳. ژيوای ۳۴. انجمن سبز که‌وانه،
۳۵. ثلاث‌باباجانی، ۳۶. بژوین، ۳۷. حافظان
- طبیعت ممسنی نورآباد ۳۸. انجمن دوستداران



طبیعت محیط زیست خوزستان ۳۹. زنان راه سبز سنه ۴۰. انجمن سبز سردشت ۴۱. انجمن کوهنوردی و طبیعت گردی هاوریانی سروشتی نیشتمان (که ژوان) - سنه ۴۲. انجمن پیروی موچش ۴۳. بلوط زاگرس، ۴۴. انجمن روستای اویهننگ ۴۵. انجمن سبز آژوان ۴۶. انجمن سبز گلای هورامان ۴۶. تریفه ی هورامان ۴۷. انجمن سبز بانه

### ب - فهرست انجمن های زیست محیطی اورمیه:

۱. انجمن حمایت از حیات وحش کانی برازان ۱۳۹۲ مهاباد ۲. انجمن کنشگران حقوق حیوانات ۱۳۹۲ ارومیه ۳. انجمن حفاظت از تالاب درگه سنگی ۱۳۹۱ انقده ۴. رفتگران طبیعت آذربایجان ۱۳۹۱ ارومیه ۵. تعاونی ندای طبیعت خلیفان مهاباد ۱۳۹۰ مهاباد ۶. جامعه دوستداران محیط زیست افشار ۱۳۹۰ تکاب ۷. انجمن حمایت از کودکان روستایی (امید) ۱۳۸۳ ارومیه ۸. انجمن اوپا ۱۳۸۲ ارومیه ۹. جمعیت یاشل طبیعت ۱۳۸۱ میاندو آب ۱۰. انجمن یاشیل یورد زنان آذربایجان ۱۳۸۰ انقده ۱۱. انجمن علمی آموزشی معلمان زیست شناسی ۱۳۷۹ ارومیه ۱۲. انجمن حامیان طبیعت ۱۳۷۹ ارومیه ۱۳. انجمن یاشیل چالیش ۱۳۷۷ ارومیه ۱۴. شانلی سولدوز ۱۳۶۰ نقده ۱۵. انجمن کاوشگران جوان زمین ۱۳۸۹ ارومیه ۱۶. کانون دوستداران طبیعت و حیات وحش ارومیه ۱۳۸۹ ارومیه ۱۷. جمعیت بانوان ژین ۱۳۸۰ مهاباد ۱۸. جبهه سبز نقده ۱۳۷۶ نقده ۱۹. موسسه مدافعان محیط زیست بوکان ۱۳۷۸ بوکان ۲۰. تعاونی حفظ محیط زیست مهاباد ۱۳۷۷ مهاباد ۲۱. تعاونی دوستداران محیط زیست سولدوز ۳۷۷ نقده ۲۲. انجمن حامیان پارک ملی دریاچه ارومیه ۱۳۸۱ ارومیه ۲۳. جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست ۱۳۷۹ ارومیه

### پ - کرماشان

۴۰ انجمن زیست محیطی در کرماشان وجود دارند که ۱۵ انجمن از آن هنوز در دست اقدام هستند.

۱. انجمن سبز لاوان ۲. جامعه حمایت از عناصر طبیعی و محیط زیست استان کرماشان ۳. یاران سبز ژینگه ۴. ژین وژینگه زاگرس ۵. رز سفید ۶. خانه محیط زیست هرسین ۷. زندگی سبز جوانرود ۸. صعود ۲ ۹. حامیان طبیعت چرو (جوانه) ۱۰. حامیان ژینگه ثلاث ۱۱. یاوران زمین ۱۲. بنیاد درخت و کودک کرماشان ۱۳. زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست ۱۴. انجمن حامیان سیاره سبز ۱۵. انجمن بیز زاگرس ۱۶. هیلو جنبش علفزار کرماشان ۱۷. جمعیت حفظ و احیای کوهستان



کرماشان ۱۸. نسیم سراب آناهیتا شهرستان کنگاور ۱۹. انجمن انسان و زمین کرماشان ۲۰. موسسه سبزاندیشان بیستون ۲۱. موسسه حمایت از حیوانات کرماشان

## ت - لرستان

۲. انجمن موج سبز بانوان ازنا ۳. انجمن علمی - پژوهشی سمندر ۴. انجمن بلوط انجمن علمی - پژوهشی سمندر خرم آباد ۵. انجمن دوستداران محیط زیست خرم آباد ۶. کانون دانشجویان همیاران طبیعت جهاد دانشگاهی لرستان خرم آباد ۷. انجمن حامیان جنگلهای لرستان خرم آباد ۸. خانه کوهنورد شهرستان درود ۹. زیست پویان زاگرس علی گودرز ۱۰. جمعیت گهر سبز درود ۱۱. جمعیت بزرگ سبز درود ۱۲. انجمن پیشگامان سبز بروجرد ۱۳. انجمن یاران سبز لرستان (خرم آباد) ۱۴. جمعیت حامیان محیط زیست لرستان (خرم آباد)

## ح - کهگیلویه و بویراحمد

۱. حیات سبز گچساران ۲. قلم کوه دنا ۳. سبز یاران امیرچمران ۴. کانون مدیران فنی دامپروری ۵. جمعیت دوستداران کوه نور کهگیلویه ۶. زندگی سبز ۷. جمعیت سبز دنا ۸. موسسه پیام آوران سرزمین دنا ۹. نهضت سبز زاگرس ۱۰. چرام همیشه سبز

## خ - ایلام

۱. انجمن کوهنوردان ۲. راز موفقیت بیشه سبز ۳. دوستدار محیط زیست ایلام ۴. کانون آوای زمین ۵. حامیان محیط زیست شیروان چرداول ۶. آوندهای سبز دهلران ۷. انجمن دوستداران حیات وحش ۸. انجمن دوستداران طبیعت ۹. میراث آلامتو ۱۰. شنه پای زمین ۱۱. هم اندیشان مانشت ایوان ۱۲. سبز اندیشان مانشت ایوان ۱۳. گهواره سبز تمدن ۱۴. انجمن زمین سبز شهرستان آبدانان ۱۵. گروه رایحه سبز چویر ۱۶. انجمن زندگی سبز بوتک ۱۷. حمایت از محیط زیست شهرستان دره شهر ۱۸. طنین سبز ۱۹. حیات سبز ۲۰. کوه سبز ۲۱. محیط بانان افتخاری ۲۲. موسسه نسااران دشت آسمان آباد ۲۳. جمعیت یاوران سبز ۲۴. همیشه بهار همیشه سبز ۲۵. دوستداران محیط زیست زرین آباد ۲۶. انجمن حامیان سبز کبیر کوه ۲۷. یاوران محیط زیست سیمره ۲۸. همیاران سبز ۲۹. انجمن حمایت از محیط زیست سیمره ۳۰. انجمن دوستداران کوهستان سبز ۳۱. کانون سبز ایران ۳۲. زمین سبز (آبدانان) ۳۳. موج سبز

## د - چهار محال و بختیاری

۱. صلح سبز دانشگاه شهر کرد ۲. محیط زیست ژینا ۳. انجمن جنگل ۴. مهر طبیعت فارسان ۵. رفتگران طبیعت (در حال اخذ مجوز) ۶. آوای حیات (در حال اخذ مجوز) ۷. تسنیم بروجن ۸. نوای آب و محیط زیست زاگرس ۹. نغمه سبز ۱۰. موج سبز ۱۱. حافظان طبیعت شهر کرد ۱۲. حافظان محیط زیست شیدا ۱۳. شاخه سبز اردلان ۱۴. وحدت سبز فرخ شهر ۱۵. آوای طبیعت ۱۶. دوستداران محیط زیست شهر کرد ۱۷. فوژان سبز هفشجان ۱۸. آهنگ سبز

## ذ - خوزستان

۱. انجمن دید سبز شادگان ۲. انجمن سبز حفاظت از محیط زیست شادگان ۳. انجمن همراهان محیط زیست آبادان ۴. حامیان طبیعت دز ۵. ایمنی، بهداشت و محیط زیست ماهشهر ۶. موسسه رفتگران طبیعت خوزستان ۷. موسسه آینده نگاران زمین سبز ۸. انجمن محیط زیست استان خوزستان ۹. انجمن سبز آوران جنوب دزفول ۱۰. انجمن دوستداران محیط زیست ایذه و دهدز ۱۱. فعالان محیط زیست بهبهان ۱۲. جمعیت حامیان محیط زیست امیدیه ۱۳. موسسه حمایت از طبیعت خوزستان ۱۴. انجمن سبز آوران جنوب دزفول (ساج) ۱۵. جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست رامهرمز ۱۶. جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست آبادان ۱۷. انجمن کارشناسان محیط زیست خوزستان ۱۸. موسسه همیاران طبیعت خوزستان ۱۹. جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست اهواز

## مرگ درخت مرگ زندگی



جان بزرگ هارا برای  
برگ های کاغذ نگیریم

